

سلطان محمود دلاوروم نادر میرزا لیسع اجماع
نواز جاجو بادکار شکر دلا بچوویت دروکار
ساک بودن ز اهل بوش نالو جرحس این حرف کوش
کوه کوه بوفته های رانود سخن با ریگ کردن رو
کیش نمر زسان نیستند بی بود توکان نیستند
نسک ز این نهنگ آخور باین کشته نیر و سید کار
عریک نخ کوبد نرسک ز روی زمین بهوش زرها
دگر به نورانی کامیاب کران کرد این حضرت زکای
صف آرزیند لشکر آرزو به این راز این ایما نرسک
دخ مار برقت جهم کرباگر در قش آراسان کشتاد
خ دور با نسیع بل شد سنان چشم سیاره راسلند
دخ مار زین بود ارمود عدد عذات روز نسوا

۲
و این سوره کی است
باید آن زمان بود که
کلیه شایع بود که
عزیز است و شکر

۵
برادر دینا خوش دست جبه خرد دم نای گشت
برسم نولسج به چاه سباه نزل در اوردیم کاه
دلخ از مکه فتره کسبلند که جنب ناپدید از کر نند
نمای گشت از کهران هفتا موش و میخ در عارف
سرتیره برلان سبه سوز شه پاک کشته نیر ز
اجل آمده زاسان بکون کسین سره در کوسه گمان
بخار سبه کله مهر و ماه زمین بریم اسان بسته راه
ز خدم کشته جلدوه کفای فروخته اسبان در آتاق
سم باکیان شه فرق سر سهرگان شنه در نیر بار
نیرفته نیا که در هر شعل کس کشته در نگاه اجل
ز بس کشته افانگه نیر راه شده غوره نیر کاه
فانگه نیر نیر و اسبان بید ز بس بید هر طرف صراط